قاچاقچی سوخت در چابهار تعزیر شد

گروه حوادث- فردی که اقدام به عرضه سوخت خارج از شبکه در چابهار می کرد تعزیر شد.رئیس اداره تعزیرات حکومتی چابهار به خبرنگار ما گفت: با توجه به اعلام شرکت پخش فرآورده های نفتی درباره سوخت گیری غیرمتعارف یک دستگاه خودروی کامیون به مقدار ۲۰ هزار و ۹۱۵ لیتر موضوع توسط اداره صنعت، معدن و تجارت مورد بررسی قرار گرفت که تخلف تأیید شد.«محمود میرشکار» اظهار کرد: با تشکیل پرونده، اقدام های مربوط به رسیدگی در شعبه اول این اداره شروع شد.وی افزود: شعبه رسیدگی کننده در پی اظهارهای متهم، نظریه کارشناسی موجود در پرونده و دیگر استعلام ها، تخلف را وارد دانست و متخلف را به استناد قانون تعزیرات حکومتی به پرداخت ۵۰ میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم کرد.

سرنوشت مرد زباله گرد

عاق والدین زندگی‌ام را نابود کرد

شهرکی- از روزی که عاق والدین شدم زندگی ام نابود شد. مرد ۳۵ ساله در حالی که در دستانش بطری های پلاستیکی را جابه جا می کرد گفت: دلم برای پدر و مادرم تنگ شده است اما نمی دانم با چه رویی نزد آن ها بروم؟ حال و روز الان من تاوان دل شکسته پدر و مادرم است. ۲۰ ساله بودم که نگاه دختری زیبا من را اسیر خودش کرد. آن روزها تازه گواهی نامه رانندگی گرفته بودم و با خودروی پدرم مسافر کشی می کردم. لیلا در یکی از همین روزها مسافرم شد و باید او را از محل کارش به خانه می رساندم. در همان نگاه اول مجذوبش شدم و گمان کردم نیمه گمشده ام را پیدا کردم. از آن روز به بعد هر روز به محل کار لیلا یا خانه اش سر می زدم تا او را ببینم یا دوباره مسافرم شود و بتوانم کمی با او هم کلام شوم. همین گونه هم شد و سرانجام من سرویس هر روزه لیلا شدم تا او را به خانه ببرم. ۶ ماهی از این ماجرا گذشت و من و لیلا به هم علاقه مند شده بودیم. او منشی مطب یکی از پزشکان بود و من هم با خودروی پدرم مسافر کشی می کردم. تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم و این موضوع را با والدینمان در میان گذاشتیم اما اوضاع آن گونه که می خواستم پیش نرفت. پدر و مادرم از همان ابتدا با این موضوع مخالفت کردند و به خواستگاری نیامدند.

اصرار بر ازدواج بی سرانجام

اما من اصرار داشتم حتما با لیلا ازدواج کنم. برادر بزرگم که فرد سرشناسی بود درباره خانواده آن ها تحقیق کرد و گفت آن ها مناسب وصلت نیستند. متوجه شده بود پدر لیلا اعتیاد دارد و برادرش هم ازدواج ناموفق داشته است، همسر برادرش هم که در زندگی مشترک آسیب دیده بود به محض به دنیا آمدن فرزندش از برادر لیلا جدا شد و فرزندش را به خانواده شوهر سابقش سپرد. همین ها سبب شد تا پدر و مادرم اصلا بر این ازدواج راضی نشوند اما من که گمان می کردم لیلا همان دختری است که در کنارش خوشبخت می شوم هم چنان مصمم بودم و به رابطه ام با او ادامه دادم. در این میان مادرم دخترهای زیادی را برای ازدواج به من معرفی می کرد ولی من به همه این پیشنهادها پاسخ منفی می دادم و به لیلا می اندیشیدم. او همچنان با من بود و اصرار می کرد زودتر خانواده ام را به ازدواج راضی کنم چون ۷ سال از آشنایی من و لیلا می گذشت.

ازدواج کردم عاق والدین شدم

دیگر صبرم تمام شد، خانواده ام را تهدید کردم که اگر به این ازدواج رضایت ندهند بلایی سر خودم می آورم. سرانجام پدر و مادرم رضایت دادند، اما چون می دانستند این ازدواج به صلاحم نیست و به دلیل این که در این سال ها خیلی آن ها را آزرده بودم عاقم کردند. مادرم گفت: تا شب عروسی خانواده تو هستیم، اما بعد از آن دیگر هیچ توقعی از ما نداشته باش. من هم که همه فکر و ذهنم رسیدن به لیلا بود پذیرفتم و بدین سبب دل آن ها را شکستم و یک عمر عاق والدین را به جان خریدم. پدر و مادرم همه شرایط را برای ازدواج من آماده و هزینه های عروسی و رهن و اجاره خانه را تقبل کردند. من که این شرایط را می دیدم فکر می کردم عاق والدین، حرفی بیش نبود تا من را بترسانند. البته نمی دانستم نفرین والدین تا چه حد می تواند جانسوز باشد و نابودم کند. مراسم عروسی برگزار شد و من و لیلا زندگی مشترک خود را آغاز کردیم. پدر، مادر، خواهران و برادرانم از همان شب خداحافظی کردند و دیگر آن ها را ندیدم. همه زندگی من در لیلا خلاصه شده بود، می خواستم زندگی ام را بسازم تا به خانواده ام ثابت کنم با او خوشبختم. با یکی از دوستانم برای راه اندازی کار مشترک شریک شدیم و پای او به خانه ما باز شد.

شیشه آغاز نابودی

یک بار که به خانه مظفر رفتم چند نفر دیگر هم آن جا بودند. چند ساعتی را در کنار آن ها بودم، اما همان چند ساعت آغازی بود برای نابودی زندگی ام. شیشه مصرف کردم و گرفتار موادمخدر شدم. از همان زمان با دوستان مظفر بیشتر عجین شدم و هر روز به بهانه های مختلف آن ها را می دیدم و دور هم مواد مخدر مصرف می کردیم. دیگر مثل گذشته دل به کار نمی بستم و در پی تامین مواد مخدر بودم. همسرم هم کم کم به رفتارهای من مشکوک شد و به اعتیادم پی برد. حال و روزم به هم ریخته بود و لیلا تصمیم به جدایی داشت به همین دلیل مهریه اش را مطالبه کرد و من مجبور شدم همه پس انداز و خودرویم را به عنوان مهریه به او بدهم، هر چه که به عنوان جهیزیه به خانه ام آورده بود با خود برد و من تنها ماندم.

توهم و زباله گردی

مواد مخدر مانند خوره به جانم افتاده بود. در این میان توهمات ناشی از مصرف شیشه هم آزارم می داد. یک بار شیشه مصرف کردم و دچار توهم شدم. گمان می کردم صاحب خانه ام به خانه ام رفت و آمد دارد و وسایلم را بر می دارد. به همین دلیل با آن ها دعوا و بحث کردم و تهمت دزدی زدم و تهدیدشان کردم. صاحب خانه هم از من شکایت کرد و عذرم را خواست. بنابراین وسایل اندکی که برایم مانده بود جمع کردم و به خانه یکی از دوستانم رفتم اما نه پولی داشتم و نه توانی برای کار کردن. دوستانم دیگر به راحتی شیشه به من نمی دادند و دوستم هم عذرم را خواست و من را از خانه اش بیرون کرد. آواره کوچه و خیابان شدم. اکنون هم مدتی است که در زباله ها به دنبال بطری و پلاستیک می گردم و آن ها را می فروشم و در قبال آن اندکی پول به دست می آورم و کمی مواد مخدر و غذا می خرم. ۵ سال از شب ازدواجم می گذرد، همان شبی که خانواده ام من را تنها گذاشتند و دیگر سراغی از من نگرفتند. در همین مدت کوتاه همه آرزوهایم بر باد رفت همسرم اگرچه به واسطه اعتیاد پدرش با مقوله اعتیاد ناآشنا نبود اما من را رها کرد و پس انداز و خودرو و وسایل زندگی را با خود برد. در میان همسایگان به عنوان یک معتاد شناخته شدم و اکنون زباله گردی بیش نیستم. نمی دانستم عاق والدین تا این حد اثرگذار باشد، ای کاش دل پدر و مادرم را نمی شکستم.

سایه روشن

فاصله ای که ندیدم!

شهرکی- تا سه چهار سال پیش غرور و تکبر زیادی داشتم. دوستانم همیشه از غرور من تعریف می کردند. همین سبب می شد تا مغرورتر و جذاب تر به نظر برسم. وارد دانشگاه که شدم غرورم بیشتر هم شد. تلاش می کردم دختر دست نیافتنی برای پسرها باشم و به هیچ کسی توجه نمی کردم و در صورتی که فردی به من پیشنهاد ازدواج می داد او را از خود می راندم. در خیالم فکر می کردم فردی باید من را به دست بیاورد که همه چیز تمام باشد. هم پول و ثروت خوبی داشته باشد و هم جذاب و خوش قیافه باشد. سال سوم دانشگاه بودم و در یکی از کلاس ها نگاهم مجذوب پسری شد که خوش تیپ به نظر می رسید. توجهم به او جلب شد و دلم می خواست او را بیشتر بشناسم. مغرور بودم، اما در مقابل حمید خودم جلو می رفتم و به بهانه های مختلف با او حرف می زدم، فهمیدم پدر پولدار و خودروی خوبی دارد، از نظر قیافه هم همان فردی بود که می خواستم. خیلی دلم می خواست من و او با هم زندگی کنیم از طرفی اگر من و حمید با هم ازدواج می کردیم حتما در دانشگاه به عنوان زوج همه چیز تمام شناخته می شدیم و من هم به آن چه می خواستم می رسیدم. سرانجام دلم را به دریا زدم و غرورم را زیر پا گذاشتم و به او ابراز علاقه کردم. او هم از من خوشش می آمد و می گفت همان دختری هستم که همیشه منتظرش بود. من و حمید خیلی زود با هم به تفاهم رسیدیم و موضوع را با خانواده هایمان در میان گذاشتیم. پدرم خیلی صریح با ازدواج ما مخالفت کرد و درباره خانواده حمید به من هشدار داد. من اما گمان می کردم هشدارهای پدرم بی دلیل است و با او مخالفت کردم تا این که سرانجام موفق شدم و پدرم را به ازدواج با حمید راضی کردم. با برگزاری یک جشن مجلل عروسی به خانه بخت رفتم اما دیری نگذشت که متوجه شدم من و حمید از نظر خانوادگی با هم تفاوت داریم. من هیچ گاه اجازه نمی دادم کسی از حد و حدود خودش فراتر رود و روابطی فراتر از عرف با من داشته باشد اما در خانواده حمید این مسائل مطرح نبود و در میان آن ها من وصله ناجور یا تافته جدا بافته بودم. حمید در این شرایط بزرگ شده بود و من قطب مخالف او بودم بنابراین تلاش می کردم او را از روابط آزادش برحذر دارم، اما فایده ای نداشت. او کار خودش را می کرد و من نمی توانستم حمید را به میل خودم تغییر دهم از آن سو هم حمید به رفتارهای گوشه گیرانه من ایراد می گرفت و از من می خواست بیشتر در جمع های دوستانه و فامیلی اش باشم، اما من این گونه بزرگ نشده بودم و نمی توانستم خودم را با آن شرایط وفق دهم. تفاوت های من و حمید هر روز بیشتر می شد و دیگر برایم مهم نبود که او خوش تیپ و جذاب است و پول زیادی دارد. نمی توانستم این شرایط را تحمل کنم. بیشتر روزها با او دعوا و بحث می کردم و سرانجام تصمیم گرفتیم از هم جدا شویم. وقتی به آن روزها می اندیشم متوجه می شوم که بسیار سطحی تصمیم گرفتم و به نصیحت های پدرم گوش ندادم. غرورم را برای پسری شکستم که هیچ گاه نتوانست خوشبختم کند، چرا که فاصله من و حمید زمین تا آسمان بود، اما من ندیدم.

جدول شماره ۸۷۹

←

۱-بهره کشی – گازی قلیایی و اشک آور ۲- بدبوی پرخاصیت–مگر–پارچه دریایی–برداشت غلات ۳- زمینه–باریک بینی–تلخ ۴–رود مرزی–مادر آذری – زمان بی پایان ۵-تکرار حرف – لاستیک خودرو –درنگ – راس ۶- شیر – بوی رطوبت–ساز شاکی – زنگ ۷- نیرنگ - گیاه رنگرزی- ظل ۸- دریاچه حمام - بشر- شیمی کربن ۹- آرزوها - ساحل- خدمتکار مدرسه ۱۰- سمج – خشکی – دوستی – جملگی ۱۱- خرس فلکی – از اوراق بهادار – خانه های ریز روی عکس – راز ۱۲ – نوعی یقه – قومی ساکن روسیه از نژاد اسلاو – قوچ ۱۳- رود آرام – نوشته – جدید ۱۴- ایستگاه قطار – حلقوم – موی گردن اسب – آتش ۱۵- منظم و مرتب – گوهر

↓

۱-درخواست تجدید رسیدگی –یاری رسان ۲- نقره – کرکس - محلی که آب رودخانه وارد دریا می شود– کشتی جنگی ۳- خیس – جدار – پروردگار ۴- دفعه –وسیله پرواز - سرما ۵- آب عرب –دیدنی ارتش –امر به رفتن - حرارت ۶- درد –رفیق – مزد - باسواد ۷- گیرنده امواج–پسوند شباهت - هریک از دو استخوان بالای سینه ۸- از برونته ها - ابزار آهنی ضخیم که آهنگران قطعهٔ آهنی را به روی آن می گذارند و با پتک یا چکش می کوبند – گشاده ۹- زمان ها – مطمئن – گردن نهادن ۱۰- قمر - عادت - خورشید – سگ بیمار ۱۱- رها – فوری – درخت اعدام – می دهند و رسوا می کنند ۱۲-پیامبر- پیشین- قوم باستانی ۱۳- دست - از اشکال هندسی –جنس خشن ۱۴- بهشت شداد–مخفی - دیروز–از آلات موسیقی ۱۵- راه باریک و ناهموار - دربی

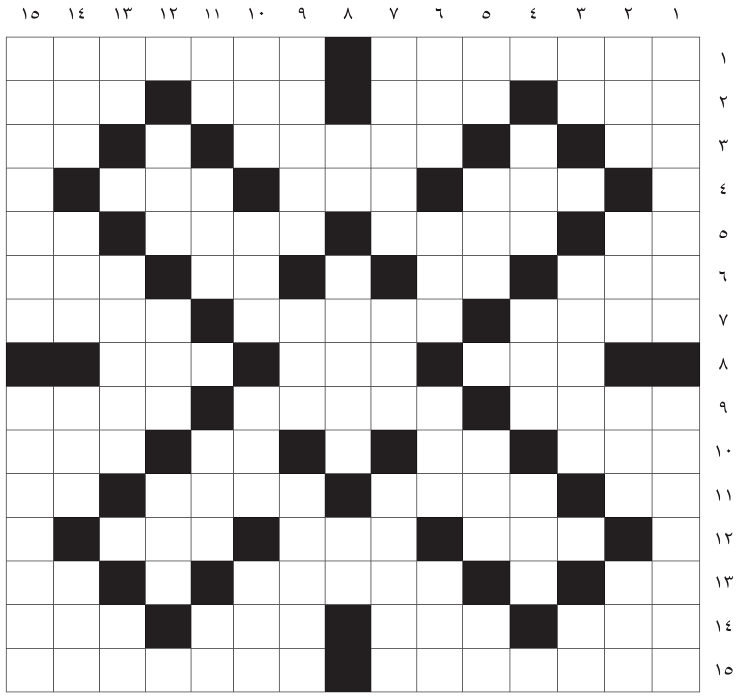

حل جدول شماره ۸۷۸

ب	ه	■	ب	ی	■	ا	م	ل	■	ن	ی	■	پ	ا
ا	م	ت	ح	ا	ن	■	ر	■	ز	ا	م	ی	ا	د
ج	ا	ب	ر	■	د	ا	د	ا	ر	■	ن	ا	ی	ب
■	ر	ر	■	ش	ی	■	م	■	ی	خ	■	ل	و	■
د	ه	■	ت	ر	م	ز	■	ط	ن	ا	ب	■	ر	ا
ا	■	م	ر	ی	■	ا	ل	ی	■	س	ر	م	■	س
ر	ی	ه	■	ف	ر	■	ا	■	ن	ر	■	ب	س	ت
د	ا	ن	ا	■	و	ی	■	ت	ا	■	ف	ا	خ	ر
ا	ر	ا	■	ف	ی	■	ج	■	و	ا	■	ر	ا	د
ن	■	ز	ی	ر	■	ه	ا	ر	■	م	ر	ز	■	ا
ل	ا	■	ر	ا	س	و	■	س	و	ل	ه	■	گ	د
■	و	ر	■	ر	ا	■	ا	■	ا	ا	■	س	و	■
ت	ر	ا	ب	■	ت	ی	م	ا	ر	■	ب	ر	ن	ا
ر	ا	م	ی	ا	ن	■	ی	■	د	ا	ر	ا	ي	ی
م	د	■	د	ل	■	د	ر	ا	■	ا	ک	■	ا	ن

اخبار

دستگیری متهمی که همسرش را کشت

گروه حوادث- مردی که به دلیل اختلافات خانوادگی همسرش را به قتل رسانده بود در زاهدان دستگیر شد.رئیس پلیس آگاهی استان به خبرنگار ما گفت: متهم پس از ارتکاب به قتل برای فرار از مجازات جسد زن را به یکی از شهرک های حاشیه زاهدان منتقل و آن را دفن کرد.سرهنگ «ابراهیم ملاشاهی» خاطرنشان کرد: خانواده مقتول پس از مدتی با مراجعه به کلانتری پرونده ای با عنوان فقدان او تشکیل دادند و تحقیقات پلیس هم در این زمینه آغاز شد.وی بیان کرد: ماموران در تحقیقات خود به شوهر مقتول مظنون شدند و پس از انجام بازجویی، او به ارتکاب قتل همسر خود و خفه کردن او با استفاده از شال اعتراف کرد.وی اظهار کرد: جسد مقتول پس از انتقال به پزشکی قانونی و انجام آزمایش های لازم تحویل خانواده او شد و متهم تحویل مراجع قضایی شد.

محکومیت ۱۲۰ میلیون ریالی قاچاقچی سوخت در سراوان

قاچاقچی سوخت در سراوان ۱۲۰ میلیون و ۵۲۹ هزار ریال جریمه شد.
رئیس اداره تعزیرات حکومتی سراوان به خبرنگار ما گفت: مأموران گردان مرزی سیرکان هنگام گشت زنی به یک دستگاه خودروی کامیون مشکوک شدند که در بازرسی به عمل آمده ۶ هزار و ۵۰۰ لیتر نفت گاز بدون مجوزهای قانونی کشف شد.«موسی عباس زاده محمودی» بیان کرد: با ارسال پرونده به این اداره اقدام های مربوط به رسیدگی در شعبه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز آغاز شد.وی افزود: شعبه رسیدگی کننده با توجه به نحوه کشف کالا و اظهارهای متناقض متهم و صورت جلسه کشف، تخلف را محرز دانست و متخلف را علاوه بر ضبط سوخت های مکشوفه به میزان ۱۲۰ میلیون و ۵۲۹ هزار ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم کرد.

باند ۳ نفره سارقان در زاهدان متلاشی شد

باند۳ نفره سارقان منازل تازه ساز و خانه های خالی از سکنه در زاهدان شناسایی و متلاشی شد.رئیس پلیس آگاهی استان به خبرنگار ما گفت: اعضای این باند در محدوده زیباشهر و بولوار معلم زاهدان از منازل خالی از سکنه و در حال ساخت سرقت می کردند که توسط ماموران شناسایی و دستگیر شدند.سرهنگ ملاشاهی ادامه داد: از این باند اموالی به ارزش ۷۵۰ میلیون ریال کشف شد که شامل انواع سیلندر گاز، پیک نیک، کابل برق، کیس رایانه، لوازم ساخت ساختمان نظیر بالابر و پیکور، وسایل گرم کننده و موتورهای کولر آبی است.

گلایه فرمانده مرزبانی استان از کم توجهی پاکستان در کنترل مرزها

فرمانده مرزبانی استان از نیروهای مرزی پاکستان به دلیل کم توجهی به کنترل مرزهای این کشور با جمهوری اسلامی ایران گلایه کرد.سرتیپ دوم «سعید کمیلی» گفت: انتظار داریم نیروهای امنیتی و انتظامی پاکستان علاوه بر برخورد جدی با باندهای قاچاق مواد مخدر و گروهک های تروریستی، نظارت بیشتری بر مناطق مرزی خود داشته باشند.به گزارش پایگاه اطلاع رسانی مرزبانی استان،وی افزود: مرزداران هنگ مرزی سراوان در جنوب شرق استان در جدیدترین عملیات خود با متلاشی کردن باند بزرگ سوداگران مرگ موفق به کشف یک تن و ۷۲ کیلو و ۴۰۰ گرم انواع مواد مخدر شدند.وی ادامه داد: مرزداران هنگ مرزی سراوان از قصد کاروان بزرگ مواد مخدر برای ورود به داخل کشور آگاه شدند و اجرای طرح های عملیاتی هدفمند برای جلوگیری از ورود مواد افیونی را آغاز کردند و ماموران موفق شدند سوداگران مرگ را قبل از ورود به حریم امنیتی مرز شناسایی و مشاهده کنند.وی گفت: قاچاقچیان که بدون توجه به علائم هشدار دهنده وارد حریم امنیتی مرز شده بودند با مشاهده ماموران اقدام به تیراندازی کردند که پس از ساعتی درگیری مسلحانه با توجه به ناتوانی در رویارویی با مرزداران با برجای گذاشتن محموله مواد مخدر و استفاده از عوارض طبیعی و تاریکی شب به عمق خاک پاکستان متواری شدند. وی بیان کرد: مرزداران هنگ مرزی سراوان با حفظ صحنه درگیری تا روشن شدن هوا در پاکسازی صبح روز بعد موفق شدند علاوه بر توقیف یک دستگاه تویوتا، یک تن و ۴۱ کیلو و ۶۰۰ گرم تریاک و ۳۰ کیلو و ۸۰۰ گرم مورفین در مجموع یک تن و ۷۲ کیلو و ۴۰۰ گرم مواد مخدر کشف کنند.

هشدار

پیشگیری از سرقت محل کسب

توجه به نکات ایمنی می تواند تا حد زیادی در پیشگیری از سرقت محل کسب موثر باشد. در این زمینه توجه به توصیه های زیر مفید است:

* چنان چه از آژیر خطر استفاده می کنید محل نصب آن را طوری انتخاب کنید که به سهولت قابل تشخیص نباشد.
* درهای ورودی مغازه را از نوع کرکره ای مشبک انتخاب و شب ها نیز از روشنایی کافی استفاده کنید.
* راه های کانال کولر پشت بام را هر چند کوچک باشد به وسیله جوش دادن چند میله محفوظ کنید.
* در هنگام تعطیلات چند روزه، حتما به مغازه سر کشی و قفل ها را بازدید کنید.
* پول نقد را بیش از حد معمول در مغازه نگهداری نکنید و آن را به بانک بسپارید.
* افرادی را به عنوان کارگر، شاگرد و نگهبان انتخاب کنید که مورد شناسایی و تایید اشخاص مطمئن باشند و برای اطلاعات بیشتر چند تن از اقوام آنان را نیز شناسایی کنید.
* قبل از حصول اطمینان به شاگرد مغازه، از تحویل دادن کلید به ویژه کلید گاو صندوق به او خودداری کنید.
* از خرید اموال، اشیا و جواهرها از افراد ناشناس بدون فاکتور و مدارک کافی خودداری کنید.

منبع: پایگاه خبری پلیس سیستان و بلوچستان

افتخار این را داریم
که امین شما همشهریان عزیز
خراسان جنوبی در امر خرید و فروش
ملک در مشهد مقدس باشیم .
۰۵۱۳۵۰۱۹۲۲۰ - ۳۰
ملایی و نجات ۰۹۱۵۹۰۰۶۰۱۸
٥/۹۶۱۰۰۷۲۳

تحلیل های روز را رصد کنید
www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان

نیازمندی‌ها

صافکاری و رنگ آمیزی
ماشین های سبک و سنگین
۰۹۳۷۸۰۸۷۲۱۸

ترمیم و پر کردن انواع پشتی
های دستباف و ماشینی
۰۹۱۵۹۴۳۸۳۲۷

حمل تضمینی بار در زاهدان
۰۹۱۵۷۵۱۴۷۰۳

گچ کاری ساختمان
پذیرفته می شود
۰۹۳۳۵۴۱۶۱۹۸

خدمات فنی پارسا
تعمیر و نصب انواع آبگرمکن و
بخاری گازی و برقی و نفتی
سرویس انواع بخاری و چراغ
تعمیر ونصب انواع کولر و
اسپیلت
تعمیر و نصب انواع پمپ آب
لوورا و بشقابی
۰۹۳۳۱۸۶۴۰۰۴

آپارتمان فروش
در مشهد هفت تیر
۹۱ متر طبقه دوم روبه آفتاب
۲خواب کابینت ام دی اف–
سرامیک–درب برقی–آیفون
تصویری–پارکینگ–انباری
مشترک–اتاق ها کف پوش
فی ۲۰۰ م یا معاوضه با خودرو
۰۹۱۵۵۱۷۸۳۵۷

جرثقیل ماهان
انجام کلیه ا ر ماشین های تصادفی،
نصب پنجره، اسکلت و با کمترین قیمت
آماده کار با شرکتها وارگانها
۰۹۱۵۱۹۱۴۳۶۶

تعمیرگاه اتومبیل
داوری شهری
زابل ، هیرمند ۵۰
۰۹۱۵۹۴۲۳۹۴۰

شیشه های تزیینی ساختمانی
اجرا و نصب دکوراسیون تخصصی
شیشه برای سقف های کاذب و نور
گیرها، درب های شیشه ای و چوبی،
سقف های کناف و گچ، پنجره های
دوجداره و کتیبه ها
۰۹۱۵۹۰۲۵۱۳۷

انجام انواع جوشکاری
نصب شیشه ساختمان، رنگ آمیزی
ساختمان، نمای کامپوزیت و تابلوهای
حروف برجسته چلنیوم و سرویس
درب های برقی و...
۰۹۱۷۵۵۹۱۳۱۴–۰۹۲۸۹۴۲۲۰۰۱
٥/۹۶۱۰۱۶۳۹